

بسم الله الرحمن الرحيم!

رموز و راهکارهای سیاسی در فتح قسطنطنیه!

(ترجمه)

قسطنطنیه به تاریخ 20 جمادی الاول سال 857 هـ.ق، برابر با 29 می 1453م، به‌دستان مبارک قهرمان، فرمانده بزرگ و سیاست‌مدار محمد ابن مراد دوم رحمت‌الله‌علیه فتح گردید. بدون شک مسائل سیاسی الهام گرفته از این واقعه بزرگ؛ همانا نسخه رهنما و الهامی است برای عموم امت مسلمه در زمینه مبارزه و پیکار؛ مخصوصاً برای دعوت‌گرانی که در عمق مسائل سیاسی داخل‌اند.

اشاره اول: رهبری سیاسی، صاحب تصمیم‌گیری مسائل جنگ و صلح است.

بلی، سلطان و یا حاکم، صاحب صلاحیت تصمیم‌نهایی در جنگ و صلح می‌باشد، به همین دلیل وقتی محمد فاتح تصمیم خود را برای سوق دادن لشکر به‌سوی قسطنطنیه اعلام نمود، تمام توان و انرژی دولت را برای انجام و عملی نمودن این تصمیم سیاسی به‌خدمت گذاشت. اولین گام آن در این امر سیاسی تقلیل و کم نمودن مصارف داخلی حکومت و افزودن آن به مصارف مسائل نظامی بود. اگر این مسأله را با دولت‌های مزدور امروزی سرزمین‌های اسلامی مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که در این حکومت‌ها صلاحیت جنگ و صلح به‌دست دولت‌های استعماری است، حکام مزدور روزنه و بوق تبلیغاتی است که در حالت اضطرار به‌سر می‌برند، آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها هیچ اختیاری از خود ندارند، متأسفانه این واقعیتی است که از گذشته و تا امروز جریان دارد. کافی است که برای اثبات ادعای مان نظری بر اردوی ترکیه در سوریه، لیبیا و اتفاقاتی که در یمن افتاده است، داشته باشیم و توجه به این اردوها برای مان واضح می‌سازد که تمام این نظام‌ها در حالت اضطرار به‌سر می‌برند. بناءً استعمار صلیبی در طول قرون گذشته با این قواعد شرعی (رأی الامام یرفع الخلاف)؛ یعنی: نظر حاکم اختلاف را از بین می‌برد و قاعده شرعی (امرالسلطان نافذ)؛ یعنی: امر حاکم نافذ است، این‌ها قواعدی‌اند شرعی و مربوط به احکام حکومت‌داری، احکامی که امروزه با نبود خلافت اسلامی از ثقافت و منهج تعلیمی مسلمانان قصداً برداشته شده تا اسلام را از یک جهت منحیث یک دین کهولت روحی نمایش دهند و از طرف دیگر این قواعد و احکامی که از مهم‌ترین عوامل وحدت مسلمانان می‌باشد، از میان بردارند؛ تا بدین ترتیب، اختلاف را در بین افراد و گروه‌های اسلامی نگهداشته و مسلمانان نتوانند در محور امیر فاتحی؛ مانند: محمد فاتح جمع شوند.

اشاره دوم: سوق دادن انرژی مشخص در خدمت ایدئولوژی

محمد فاتح در مسأله جنگ از تخنیک کارِ توانا "اوربان المجرى" برای ساخت توپ کمک گرفت، توپی که می‌توانست قلعه دشمن رومانی را شکسته دهد. محمد فاتح برای این تخنیک کارِ بزرگ مواد اولیه و آنچه را که برای ساخت این توپ لازم بود مهیا نمود؛ چنان‌چه میدانی برای آزمایشات نظامی دور از انظار مردم ساخت؛ اما اکنون مدت زیادی است که در نبود اراده سیاسی که امور امت را در مسائل نظامی سرپرستی کند این آزمایشات و تجربه را نداریم؛ زیرا امت اسلامی تأثیر قدرت سیاسی‌اش را در ساحه

بین‌المللی در جنگ‌ها از دست داده؛ با وجودی که امت اسلامی امروز هم از توانائی‌های فکری بسیاری برخورداراند. حکام احمق، قهرمانان این امت را به فراموشی گذاشته تا نمایندگی‌های صنعتی فضائی آمریکا "ناسا" یا شرکت‌های غول‌پیکر سرمایه‌داری؛ مانند: «مایکروسافت و اپل» این قهرمانان امت را در خدمت خودشان قرار دهند. علاوه‌برآن، بسیاری از این قهرمانان؛ مانند: محمد زاوری انجنیر تونسی و فادی البطش انجنیر فلسطینی رحمت‌الله‌علیهما را خشم و مکر صهیونیزم نابود می‌سازد.

اما در مورد مواد اولیه، قابل یادآوری است که خیانت و بی‌غیرتی این حکام بیش‌تر از دایره شمارش است. دولت‌های ذلیل اصلاً به‌جز آماده ساختن مواد اولیه برای برآورده ساختن منافع دولت‌های استعماری دیگر فکری ندارند؛ به‌همین دلیل این مواد را از استعمارگران به قیمت دوچند خریداری نموده و با این عمل‌شان قدرت‌های غربی را در بخش انرژی و صنعت افزایش می‌دهند.

اما در مورد تمرینات نظامی باید گفت، حکام مزدور و اطرافیان ناپاک سیاسی‌شان، سرزمین‌های اسلامی را میدانی برای تمرینات و کثافات سلاح‌های هسته‌ای ساخته‌اند؛ چنان‌چه تمرینات فرانسه در جنوب الجزایر نمونه عینی و قابل دید کثافات هسته‌ای است که مزدوری حکام را نشان می‌دهد و به‌گفته کارشناسان محلی و بین‌المللی در تونس نیز چنین است.

از طرف دیگر امروزه اسرار رازهای نظامی و حفظ آن از چشم دشمن در نزد این حکام احمق ارزشی ندارد. کفایت می‌کند که مثالی از کشور ایران آورده شود. ایران با صدا بلند کردن بادارش آمریکا تمام اسرار فعالیت‌های سلاح هسته‌ای‌اش را تحت نام صلح به دست‌رس آمریکا قرار داد؛ اما مانورها و نمایشات نظامی مشترک بین دولت‌های استعماری و دولت‌های کارتونی ما، کماکان جریان داشته و از مسائل عادی به حساب می‌آید.

چه تفاوت بسیاری است بین فرمانده نیروهای مسلح دولت‌های ذلیل امروزی ما و فرمانده نیروهای مسلحی که بیرق جهاد را به‌خاطر اعلائی کلمه (لااله‌الله‌محمدرسول‌الله) و شکستادن دشمن کافر استعمارگر برمی‌داشت! دولت‌های ذلیل و فرومایه امروزی سربازان ما را برای از بین بردن قضیه سوریه و یا حمایت از حدود جغرافیائی استعماری استخدام کرده و آن‌ها را تنها برای محافظت نفت استخدام می‌کنند؛ ولی قضیه سرنوشت‌ساز امت را فراموش کرده‌اند.

اشاره سوم: اهمیت فعالیت‌های سیاسی در خارج از دولت

فعالیت‌های سیاسی را که محمد فاتح انجام داده از لحاظ سیاسی بی‌نهایت درخور توجه است. بدون شک فعالیت‌های سیاسی در کنار فعالیت‌های نظامی یکی از عوامل مهم پیروزی محمد فاتح بوده که به اذن الله سبحانه‌وتعالی نصرت و پیروزی را در پی داشت. محمد فاتح این فرمانده جوان، ابتداء قسطنطنیه را از مناطق دیگر جدا ساخته و این سیاست‌اش را با معاهدات انجام داد؛ چنان‌چه محمد فاتح قبل از این که بالای قسطنطنیه حمله نماید با چندین دشمن، معاهده بست تا با تمام توان‌اش بالای یک دشمن (قسطنطنیه) حمله نماید. معاهده‌ای را با امارت "غلطه" که از طرف شرق در همسایه‌گی قسطنطنیه قرار داشته و این دو منطقه را تنگه قرن طلائی از هم جدا می‌ساخت، به امضاء رساند و هم‌چنان معاهداتی را با "جنوه" و "بندقیه" که از امارت‌های اروپائی بودند، به امضاء رساند. انتقال کمک‌های سیاسی و مالی؛ مثل: سلاح و مهمات را از این مناطق مسدود کردند و این

کمک‌ها باعث قوت قسطنطنیه گردید. این مسائل آسانی است که به خوبی می‌شود امروز هم از آن‌ها استفاده کرد؛ مخصوصاً در وقت قیام دولت اسلامی؛ یعنی همان دولت خلافت راشده.

در نزد دولت‌های غربی تنها منافع خود و ملت‌های‌شان مهم است، بدون شک اتحادیه اروپا هرگاه منافع خود را با روابط دولت خلافت ببیند، به‌زودترین فرصت از هم خواهد پاشید و حتا همین امروز دیدگاه‌های سیاسی نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا از هم پاشیده است. علاوه‌برآن، دیده می‌شود که اروپا و امریکا دایماً اختلافات سیاسی داشته؛ بلکه این دو قدرت بر سر آب‌راه‌های آبی، زد و بندهای بسیار داغی دارند، کفایت می‌کند که یک مرتبه خلیفه مسلمانان با رأی و نظر سیاسی و متین‌اش همین قوت را در محور منافع دولت اسلامی بچرخاند.

اشاره چهارم: علمای ربانی، رجال حکومت و دولت را ساخته و نظامیان را برای شهادت فی‌سبیل‌الله انگیزه می‌دهند.

دو عالم بزرگ به‌نام‌های احمد ابن اسماعیل کورانی و آق شمس‌الدین، ثقافت اسلامی را برای محمد فاتح می‌رسانند، ثقافتی که در شخصیت محمد فاتح این جوان قهرمان تأثیر گذاشت. این دو عالم بزرگ این جوان قهرمان را به اساس عقیده اسلامی انگیزه داده و در فکرش ایمان را زرع می‌نمودند.

شیخ آق شمس‌الدین محمد فاتح را به تنگه "باسفور" برده، گذشته و آینده را برایش ارتباط می‌داد. او برای محمد فاتح می‌گفت: پدر کلانت این قلعه را (قلعه اناضول) برای فتح قسطنطنیه ساخت، او به طرف قسطنطنیه اشاره کرده می‌گفت: آن‌جا صحابی بزرگ و جلیل‌القدر ابو ایوب انصاری رضی‌الله‌عنه است؛ یعنی آن عالم بزرگ دو مسأله را برای محمد فاتح آموخت:

اول- این که حل مشکلات روزمره تنها توسط احکام شرعی صورت می‌گیرد، احکامی که از عقیده اسلامی جدا نبوده؛ بلکه از عقیده اسلامی سرچشمه می‌گیرند و هیچ فرقی بین گذشته و اکنون وجود ندارد؛ چنان‌چه بعضی فکر می‌کنند که گذشته اسلام عقب‌مانده‌گی بوده؛ ولی فرهنگ امروز غرب به تمام معنا در پیش‌رفت و ترقی است! و با به باور بعضی دعوت‌گران خودباخته‌ای که به‌طریقه غربی دعوت می‌کنند؛ گویا بین دعوت و اسلام سیاسی، نقطه وصلی وجود ندارد.

دوم- این که وقتی این عالم بزرگ اشاره به طرف ابو ایوب انصاری می‌نمود، در حقیقت تشویق به فتح قسطنطنیه بود؛ زیرا این مسأله عامل تشویق‌کننده‌ای بود برای مردان مخلص؛ مانند: محمد فاتح که به اساس آن فتح و کامیابی هر دو دنیا به دست می‌آید؛ هرچند که این فتح در زمان حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه به دست نیامده بود؛ زیرا مسأله‌ای کامیابی به اشخاص ارتباط نگرفته و در بشارت‌های رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم هیچ شکی وارد نمی‌کند؛ بلکه نصرت از جانب الله سبحانه‌وتعالی بوده و این باور داشتن به نصرت می‌باشد. لازم است که ایمان، قاطع و محکم باشد که هرگز متزلزل نشود و برای کسی که پرچم جهاد را بر می‌دارد، بر نصرت الله سبحانه‌وتعالی قطعاً باور و امیدوار باشد، این درسی بود که محمد فاتح آموخته بود.

از جانب دیگر، علمای ربانی قبل از فتح قسطنطنیه و در جریان محاصره این شهر در بین لشکر مسلمانان روح جهاد و مبارزه را می‌دمیدند. این علماء اردوی مسلمانان را تشویق بر جهاد نموده و می‌گفتند که جهاد قلّه بلند اسلام است. علمای کرام این حدیث رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را که (وَلَنِعْمَ الْجَيْشُ ذَلِكَ الْجَيْشُ)؛ یعنی: این اردو بهترین اردو است، را برای لشکر

مسلمانان می‌خوانند که این حدیث برای‌شان نفس تازه می‌داد. از این مسأله ما این را درک می‌کنیم که اردو و نیروهای مسلح باید از عقیده اسلامی جدا نباشند؛ اما امروزه این واقعیت دردناک در بین سرزمین‌های اسلامی وجود دارد؛ مخصوصاً بعد از پا گذاشتن استعمارگران، که اهل قوت و قدرت را از امت دور ساخته و حتا خانه‌های مسکونی و مدارس تعلیمی فرزندان‌شان را از مردم دور ساخته و فرصت زندگی مشترک اجتماعی را از آن‌ها گرفته‌اند. متأسفانه کار به‌جایی رسیده است که امروزه جنایت‌کاران، نماز و پای‌بندی به نماز را سبب عدم پیش‌رفت در وظیفه نظامی‌ها می‌دانند که این مسأله یک مسأله خطرناکی برای کسانی است که قدرت و تصمیم‌گیری به‌دست‌شان است.

این مسأله، وکلا و مزدوران غرب را در برابر حزب‌التحریر خشمگین ساخته است؛ چون حزب‌التحریر است که اردوهای اسلامی را به اساس عقیده اسلامی و باورمندی به الله سبحانه‌وتعالی برای از بین بردن نظام‌های فاسد و راندن استعمارگران از سرزمین‌های اسلامی دعوت می‌نماید. این مزدوران ترس دارند که شاید این دعوت در بین اهل قوت و قدرت نفوذ و راه پیدا نموده، اهل قدرت بر تغییر اساسی این نظام‌های فاسد و برپائی دولت اسلامی به عنوان راه حل اساسی اقدام کرده و سپس امت مسلمه قدرت و عزت از دست‌رفته خود را دوباره به دست گرفته و با تنظیم صفوف اردوهای خود مسجد مبارک اقصی را از دست رژیم غاصب یهود پس بگیرد.

این مسائل بعضی از نکات و الهامات سیاسی بود که حادثه فتح قسطنطنیه با خود جمع کرده و بدون شک این حادثه با تمام جوانب و ارزش‌هایش حادثه بزرگی از حوادث تاریخی اسلام است که مجد و عظمت مسلمانان را نمایان می‌کند؛ اما نکته‌ای که بسیار مهم است این است که چنین حوادثی، زمانی اتفاق می‌افتاد که تصمیم سیاسی به دست خود امت مسلمه بوده و این کیان را خود دولت اسلامی تمثیل می‌نمود. در آن زمان تاج و تخت کفار از ترس دولت اسلامی لرزان و جهان اروپا متزلزل بود. در آن وقت فاتحان مسلمان، تکبیرگویان با برافراشتن بیرق توحید وارد اروپا می‌شدند تا بیرق صلیبیان را به زیر بکشند و ما باور داریم که آن روز را دوباره و به‌زودی به‌ذکر الله سبحانه‌وتعالی از طریق دولت خلافت اسلامی تکرار و به‌زودی شاهد آن روز خواهیم بود.

نویسنده: محمد سبحانی - ولایه تونس

مترجم: مصطفی اسلام